



پروژه‌های قبلی را تحویل بدهیم! پروژه‌ای که ۴ سال قبل گرفته بودند، پیش‌پرداخت‌اش را خورده بودند، اما طرف قرارداد پتکو بود! تعهد تحویل آن‌ها، الان به عهده من بود. دو سال سعی کردیم تا پروژه‌ها را تحویل بدهیم. بعد از آن در اواخر سال ۸۵ و از اوایل سال ۸۶ پروژه‌های جدید آمدند. پمپ‌های پتروشیمی رازی آمدند! اولین بار پروژه پمپ ۴۰۰-۴۰۰ بود که از پایه در اینجا طراحی و ساخته شد که الان در پتروشیمی رازی کار می‌کنند. قرارداد طراحی ۱۰ تپ پمپ از خانواده OH۲ را از سازمان گسترش گرفتیم. بدین ترتیب از پتاس ۸ تا پمپ را گرفتیم. پتاس در خور و بیابانک است که آب دریا را که ۸۰ درصد شوری دارد، می‌گیرند و به مخزن‌ها می‌زنند. مخزن‌ها هم که انگار یک مزرعه یا یک شوره‌زار است. آب آن تبخیر می‌شود و از نمک آن در مجتمع‌های پتروشیمی استفاده می‌کنند. پمپ‌های اینجا خاص است چون در شورآبه کار می‌کند و خوردگی در آنجا فوق‌العاده بالا است! جنس این پمپ‌ها چند نایزریست بود؛ چدن که نیکل زیادی دارد، تقریباً ۱۶ درصد نیکل دارد. آن موقع در ایران کمتر افرادی می‌توانستند آنها را ریخته‌گری کنند. یک ریخته‌گری به نام سدید در تهران بود که به آن‌ها دادیم و برایمان ریخته‌گری آن را انجام دادند که به لطف خدا بدون هیچ مشکلی تا امروز کار می‌کنند. تازه بعد از ۱۴ سال بهشان یکدی دادیم.

### اولین پروژه‌های فرایندی

پروژه تأمین پمپ‌های پالایشگاه شازند اراک اولین پروژه فرایندی پتکو بود. پروژه‌های فرایندی حساسیت‌های زیادی دارد یعنی شما تک پمپ یا پمپ جایگزینی تولید نمی‌کنید. قرار است پمپ‌های یک فرایند را که باید در کنار هم کار کنند، بدهید و این حساسیت‌های زیادی دارد. تا آن زمان هیچ شرکت ایرانی جرأت گرفتن چنین پروژه‌ای را نداشت. بعد از پروژه شازند اراک، پمپ‌های پروژه پالایشگاه لاوان را گرفتیم که آن هم یک پروژه فرایندی بود. پروژه شازند اراک و لاوان از نظر زمانی نزدیک به هم بودند و پمپ‌هایشان را تقریباً هم‌زمان دادیم. حدوداً سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ بود که برای هر کدام از اینها حدود ۵۰، ۶۰ پمپ دادیم. منتها، آنچه مهم بود بحث فرایندی بودن پروژه‌ها بود که اینها

از او خیلی سخت است! کارگر کم کار کند، می‌توان کار را جلو برد و کم‌کم لودش را بالا برد اما اگر بنشیند به کارگیری او خیلی سخت است! ما اینجا کارگاه جوشکاری داشتیم، بعضی وقت‌ها می‌رفتم و با آنها شوخی می‌کردم. می‌گفتم حداقل اینجا را آب و جارو کنید، بلکه مشتری آمد! آخر بین قدیمی‌ها مرسوم بود جلوی دکان و مغازه‌ها را صبح به صبح آب می‌پاشیدند تا مشتری بیاید! شرایط را که دیدم با توجه به شناختی که از صنایع استان داشتم رفتم و از بیرون پروژه گرفتم. صرفاً برای اینکه حداقل کارگران مشغول شوند. مهندس زمانلو آن موقع مدیرعامل ریخته‌گری تراکتورسازی بود. کوره خشک‌کن ماهیچه را از آنها گرفتم و آوردم. حدود ۱۸ متر طول کوره بود. ۲ تا پرس قراضه گرفتم و در اینجا تولید کردیم. همچنین دو کوره ذوب گرفتیم و درست کردیم. آن موقع تکنولوژی lost foam (نوعی روش ریخته‌گری) را تازه به ریخته‌گری تراکتورسازی آورده بودند. از درجه ماهیچه آنها گرفتیم و اینجا آوردیم و تولید کردیم. از جهاد خودکفایی ۲، ۳ تا کوره برای ماشین‌کاری داشتند آنها را گرفتیم. با این کارها سعی کردیم تا کارگران بیکار نشینند. از آن طرف آقای مهندس تجربی‌بانی با توجه به پتانسیل‌ها و روابطی که با وزارت نفت دارند، توانستند پروژه پمپ برای مجموعه بگیرند. وقتی پمپ‌ها وارد مجموعه شد، کارهای جانبی را کم کردیم و کم‌کم به صورت تخصصی روی پمپ تمرکز کردیم.

سال ۸۴ و ۸۵، فقط فرمان این بود که



پروژه تأمین پمپ‌های پالایشگاه شازند اراک اولین پروژه فرایندی پتکو بود. پروژه‌های فرایندی حساسیت‌های زیادی دارد یعنی شما تک پمپ یا پمپ جایگزینی تولید نمی‌کنید. قرار است پمپ‌های یک فرایند را که باید در کنار هم کار کنند، بدهید و این حساسیت‌های زیادی دارد